

بررسی حرف تعریف در گویش اردکان فارس در چارچوب نحو کمینه‌گرا

غلامحسین کریمی دوستان*

وحیده تجلی**

چکیده

مقاله حاضر به بررسی حرف تعریف و ساختار توزیعی آن در گویش اردکان فارس در چارچوب برنامه کمینه‌گرا می‌پردازد. بررسی داده‌های زبانی گویش اردکان فارس نشان می‌دهد که در ساختار گروه تعریف این گویش دو حرف تعریف معرفه حضور دارد که یکی از آن‌ها تنها به صفت متصل می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، تعیین جایگاه تولید مناسب برای حروف تعریف معرفه و نکره و تبیین چگونگی هم‌آیی آن‌ها با دیگر عناصر گروه تعریف نظیر اسم، صفت، تکواژ جمع، اسم ملکی و صفت اشاره و رسیدن به ترتیب خطی مورد نظر در این گویش می‌باشد. در این پژوهش، از گروه اضافه (EZ P) که دارای خاصیت تکرارپذیری می‌باشد برای اضافه کردن بعضی از عناصر به یکدیگر در ساختار گروه تعریف استفاده می‌شود. با وجود این که نشانه اضافه در گویش اردکانی در بیشتر موارد فاقد نمود آوایی آشکار می‌باشد، گروه اضافه در ساختار گروه تعریف این گویش تولید می‌شود و نشانه اضافه در هسته آن قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: گروه تعریف، حرف تعریف معرفه، حرف تعریف نکره، نحو کمینه‌گرا، گروه اضافه.

۱- مقدمه

هر سازه زبانی که هسته معنایی آن یک اسم باشد، گروه اسمی (NP) نامیده می‌شود. در این گروه عناصری از مقولات دیگر مانند صفت‌ها، حرف‌های تعریف معرفه و نکره^۱، صفت‌های اشاره^۲ و سورها^۳ می‌توانند اسم هسته را

¹ definite & indefinite articles

² demonstratives

³ quantifier

همراهی کنند. ساختار گروه‌های اسمی در سال‌های اخیر مورد توجه زبان‌شناسان زایشی بوده است. Jackendoff^۱ (۱۹۷۷) ساختار درونی گروه‌های اسمی در زبان انگلیسی را با استفاده از نظریه ایکس-تیره توصیف می‌کند. به اعتقاد او گروه‌های اسمی فرافکن‌های صرفاً واژگانی و درون مرکز با یک هسته واحد از نوع اسم هستند و سایر عناصر موجود در این فرافکن‌ها متمم و یا شاخص اسم هسته در سطوح مختلف ساختاری می‌باشند. چامسکی (۱۹۸۶ و ۱۹۸۱) از نخستین کسانی بود که به وجود هسته‌های نقشی توجه نمود و سعی کرد که برای آن‌ها جایگاه نحوی ویژه‌ای در نظر بگیرد. وی در تحلیل خود از ساختار نحوی بندها عنوان کرد که فرافکن واژگانی فعلی (VP) تحت تسلط تعدادی فرافکن نقشی مانند گروه تصریف (IP) و گروه متمم‌ساز (CP) قرار دارد. پس از آن زبان‌شناسان مختلفی به بررسی حوزه گسترش یافته گروه‌های فعلی و همچنین اسمی پرداختند. ابنی^۲ (۱۹۸۷) پیشنهاد می‌کند گروه اسمی نمایشی از اسم به شمار آورده شود که تحت تسلط یک یا چند مقوله نقشی است. استول^۳ (۱۹۸۹) بین DP و NP بر مبنای ارجاعی بودن^۴ تمایز قائل می‌شود. به اعتقاد او گروه تعریف ارجاعی است اما گروه اسمی نیست (کریمی، ۱۹۹۹: ۱۵). در اثبات وجود مقوله نقشی در گروه اسمی، اجر^۵ (۲۰۰۳) نیز اظهار می‌کند که در حقیقت هسته اصلی آن‌چه که در گذشته گروه اسمی در نظر گرفته می‌شد، یک مقوله نقشی است که بالاترین مقوله نقشی در گروه اسمی است. وی با توجه به تناظر موجود میان گروه فعلی و گروه اسمی عنوان می‌کند که درست همانند گره زمان^۶ که بالاترین گره نقشی در بندهاست، در گروه اسمی نیز بالاترین گروه نقشی، گروه حرف تعریف و بالاترین هسته، حرف تعریف می‌باشد.

این پژوهش به بررسی ساختار توزیعی حرف تعریف در گروه اسمی گویش اردکان فارس، در چارچوب برنامه کمینه‌گرا پرداخته است. گویش اردکانی یکی از گویش‌های زبان فارسی است که در شهر اردکان در استان فارس رایج است. بررسی داده‌های مربوط به گروه تعریف در گویش اردکان فارس نشان می‌دهد که ساخت این گروه در این گویش با توجه به ترکیب اجزا، حضور حرف تعریف و ویژگی‌های توزیعی آن، نمود متفاوتی نسبت به برخی از زبان‌های ایرانی از جمله زبان فارسی دارد.

در ادامه، در بخش دوم به معرفی مفهوم معرفگی، حرف تعریف و انواع آن و چگونگی تظاهر آن در زبان فارسی معیار و همچنین گویش مورد نظر پرداخته می‌شود. در بخش سوم هم‌آیی صفت اشاره، نشانه جمع و اسم ملکی با حرف تعریف در ساختار گروه تعریف این گویش بررسی و جایگاه تولید مناسب برای هر یک از این عناصر و نحوه رسیدن به ترتیب خطی مطلوب نشان داده می‌شود و در نهایت، بخش چهارم دربرگیرنده خلاصه‌ی نتایج این مطالعه خواهد بود.

۲- حرف تعریف

معمول‌ترین روش برای انتقال مفهوم معرفه یا نکره بودن استفاده از حروف تعریف معرفه و نکره است. برای مثال در زبان انگلیسی از حرف تعریف معرفه "the" برای ایجاد مفهوم معرفگی و از حرف تعریف نکره "a" برای نشان دادن نکره بودن استفاده می‌شود، اما حروف تعریف در همه زبان‌ها نمود آشکار ندارند و برخی زبان‌ها از عناصر زبانی و یا

^۱ Jackendoff

^۲ Abney

^۳ Stowell

^۴ referentiality

^۵ Adger

^۶ TP

بافتی دیگری برای ایجاد مفاهیم معرفه بودن و نکره بودن بهره می‌برند. لاینز^۱ (۱۹۹۹) ساخت‌هایی را که با استفاده از حروف تعریف معرفه و نکره ساخته می‌شوند، معرفه ساده و نکره ساده می‌نامد.

۲-۱- حرف تعریف معرفه

کاربرد حرف تعریف معرفه به همراه گروه اسمی گویای این مطلب است که پدیده مورد نظر برای گوینده و شنونده (یا نویسنده و خواننده) قابل شناسایی است. زبان فارسی معیار (نوشتاری) فاقد حرف تعریف معرفه آشکار می‌باشد اما در گویش اردکان فارس این حرف تعریف نمود آشکار دارد. گویش اردکانی دارای نشانه آشکار معرفگی (e)ku^۰ می‌باشد که بعد از اسم یا گروه اسمی قرار می‌گیرد.

ketâb-eku - ب

xuna-ku - الف (۱)

مع - کتاب

مع - خانه

کتاب (معرفه)

خانه (معرفه)

در این گویش از نشانه معرفگی u^۰ نیز استفاده می‌شود که تنها به صفت اضافه می‌شود. لازم به ذکر است که در گویش اردکانی نمود آوایی اضافه به الگوی هجایی اسم پایه بستگی دارد، بدین معنی که اگر الگوی آخرین هجای اسم پایه همخوان - واکه (CV) یا همخوان - واکه - همخوان (CVC) باشد، اضافه نمود آوایی نخواهد داشت اما در صورتی که الگوی هجا همخوان - واکه - همخوان (CVCC) باشد برای جلوگیری از التقای سه همخوان و به هم خوردن الگوی هجایی زبان فارسی، از واکه "e" بین دو واژه استفاده می‌شود.^۲

orsi sefið-u ? (۲)

مع - سفید کفش

کفش سفید (معرفه)

این عبارت در زبان فارسی محاوره به این صورت بیان می‌شود:

kaf sefid-e (۳)

مع - سفید کفش

کفش سفید (معرفه)

همان‌طور که سمیعان (۱۹۸۳) و قمشی (۲۰۰۳) اشاره می‌کنند، در زبان فارسی محاوره حرف تعریف معرفه هیچ‌گاه با اسم خاص (۴-الف)، ضمیر (۴-ب) و گروه اسمی حاوی اسم ملکی (۴-ج) نمی‌آید.

Hasan-a ro didam. * - الف (۴)

دیدم را مع - حسن

un-a ro xaridam. * ? - ب

خریدم را مع - آن

^۱ Lyons

^۲ برای اثبات وجود نشانه اضافه در این گویش از داده‌های دیگری می‌توان کمک گرفت که مطرح کردن آن‌ها خارج از حیطه بحث حاضر است.

ج - * [ketâb ° e iân]° a ro xaridam.

خریدم را مع-ژیان اض-کتاب

(قمشی ۶۸: ۲۰۰۳)

معادل‌های این جملات در گویش اردکانی نیز بدساخت می‌باشند. اما چنان‌که در مثال زیر مشاهده می‌شود، در فارسی محاوره حرف تعریف معرفه‌ای که بعد از صفت می‌آید با اسم ملکی در توزیع تکمیلی نیست.

(۵) kaf sefid-e-ye Hasan

حسن اض-مع-سفید کفش

در گویش اردکانی معادل این حرف تعریف °u است و اگر به جای آن از °eku استفاده شود، عبارت بدساخت

می‌شود.

(۶) orsi sefið-u Hasan - الف

حسن مع-سفید کفش

ب - * orsi sefið-eku Hasan

حسن مع-سفید کفش

حرف تعریف °u از لحاظ قدرت معرفگی ضعیف‌تر از حرف تعریف °eku است و شاید یکی از دلایلی که می‌تواند با اسم ملکی همراه شود، همین باشد. همچنین حرف تعریف °u به جز مفهوم معرفگی، معنای تمایزدهندگی را نیز در بر دارد. به عبارت دیگر، در نمونه (۵) از فارسی محاوره و یا معادل آن در اردکانی (۶-الف) این معنا را می‌توان برداشت کرد که حسن کفش یا کفش‌های دیگری به رنگ غیر از سفید دارد و اکنون هدف گوینده از به کار گرفتن حرف تعریف، اشاره به آن کفش بخصوص است.

قمشی (۲۰۰۳) در بررسی حرف تعریف معرفه در فارسی محاوره، تفاوت اساسی این حرف تعریف را با حرف تعریف معرفه انگلیسی در این می‌داند که حرف تعریف معرفه فارسی تنها به اسم‌های عام بدون توصیف‌گر^۱ متصل می‌شود. وی اظهار می‌دارد که حرف تعریف معرفه در گروه اسمی حاوی صفت، نه بعد از اسم هسته و نه بعد از گروه اسمی حاوی صفت می‌آید.

(۷) ketâb-e bozorg-o xarid-am. - الف

خریدم را °بزرگ اض °کتاب

ب - *ketâb-e-ye bozorg-o xarid-am.

خریدم را °بزرگ اض-مع-کتاب

ج - *ketâb-e bozorg-a-ro xarid-am.

خریدم را-مع-بزرگ اض-کتاب

(قمشی ۶۹: ۲۰۰۳)

^۱ unmodified

قمشی (۲۰۰۳) معتقد است استثنایی که برای این تعمیم وجود دارد این است که اسم و صفت با هم یک اسم مرکب تشکیل دهند. یعنی اینکه کسره اضافه بین اسم و صفت حذف شود و تکیه اصلی از روی توالی اسم و صفت به حرف تعریف منتقل شود.

(۸) [ketâb bozorg]-a-ro xaridam.

خریدم را-مع- بزرگ کتاب

(قمشی ۶۹: ۲۰۰۳)

اما چنین به نظر می‌رسد که در جمله (۸) نمی‌توان از حذف کسره اضافه و انتقال تکیه نتیجه گرفت که واژه مرکب ساخته شده است. برای اثبات این موضوع رفتار نحوی "ketâb bozorg" را با واژه مرکب "pedarbozorg" مقایسه می‌کنیم.

چنان‌که در مثال (۹- الف) مشاهده می‌شود، کاربرد هم‌زمان حرف تعریف معرفه و اسم ملکی بعد از واژه "pedarbozorg" به بدساختی عبارت منجر می‌شود اما بعد از "ketâb bozorg" می‌توان حرف تعریف معرفه و اسم ملکی را با هم به کار برد که به عقیده نگارندگان، نشان دهنده این است که ترکیب نحوی اسم و صفت بین این دو واژه حفظ شده و واژه مستقلی به وجود نیامده است. در واقع در مثال (۹- ب)، حرف تعریف معرفه به صفت متصل شده اما در مثال (۹- الف) به کل اسم مرکب افزوده شده است.

(۹) *pedarbozorg-e-ye Hasan - الف

حسن اض-مع- پدربزرگ

ketâb bozorg-e-ye Hasan - ب

حسن اض-مع- بزرگ کتاب

از آزمون حذف می‌توان برای اثبات این موضوع استفاده کرد. در نمونه (۱۰- الف) اسم در قسمت دوم حذف شده است و عبارت خوش ساخت است زیرا اسم در حوزه توصیفی حرف تعریف قرار ندارد اما در عبارت (۱۰- ب) همان‌طور که مشاهده می‌شود، نمی‌توان این حذف را انجام داد.

(۱۰) ketâb bozorg-e na ku ki-e - الف

مع-کوچک نه مع-بزرگ کتاب

*pedarbozorg-e na ku ki-e - ب

مع-کوچک نه مع- پدربزرگ

طباطبایی (۱۳۸۲) یکی از روش‌های تشخیص واژه مرکب از گروه نحوی را استفاده از تکواژ جمع می‌داند که در پایان واژه (اسم یا صفت) می‌آید.

(۱۱) *pedar-â-ye bozorg-e Hasan - الف

حسن اض-بزرگ اض-جم-پدر

ketâb-â-ye bozorg-e Hasan - ب

حسن اض-بزرگ اض-جم ° کتاب

با توجه به مثال (۱۱- الف) بین دو قسمت واژه مرکب "pedarbozorg" نمی‌توانیم تکواژ جمع بیاوریم اما در مثال (۱۱- ب) می‌بینیم که دو واژه "ketâb" و "bozorg" را می‌توان با تکواژ جمع از هم جدا کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که "ketâb bozorg" در مثال (۸)، نه یک واژه مرکب بلکه یک ترکیب نحوی متشکل از اسم و صفت می‌باشد که کسره اضافه بین آن‌ها حذف شده است.

چنان‌که عنوان شد، معادل حرف تعریفی که به همراه صفت و اسم ملکی به کار می‌رود در گویش اردکانی ° u می‌باشد و کاربرد حرف تعریف °eku عبارتی بدساخت به‌دست خواهد داد. این دو حرف تعریف تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند:

۱- eku- بعد از اسم و صفت به کار می‌رود (۱۲- الف و ب) اما به همراه اسم ملکی استفاده نمی‌شود (۱۲- ج).

(۱۲) الف orsi-y-eku - ?

مع-هم-کفش
کفش (معرفه)

ب orsi sefiδ-eku - ?

مع-سفید کفش
کفش سفید (معرفه)

ج orsi sefiδ-eku Hasan * - ?

حسن مع-سفید کفش
کفش سفید (معرفه) حسن

۲- u- تنها بعد از صفت به کار می‌رود و همراه با اسم ملکی نیز می‌تواند استفاده شود.

(۱۳) orsi sefiδ-u Hasan - ?

حسن مع-سفید کفش
کفش سفید (معرفه) حسن

لازم به ذکر است که این دو حرف تعریف معرفه با یکدیگر در توزیع تکمیلی نیستند و گاهی برای تأکید همراه هم به کار می‌روند.

(۱۴) orsi sefiδ-u-w-eku - ?

مع-هم-مع ° سفید کفش
کفش سفید (معرفه)

معمولاً حرف تعریف معرفه اصلی‌ترین گزینه برای پر کردن هسته گروه تعریف (D) می‌باشد، اما چنان‌که دیدیم حرف تعریف معرفه در گویش مورد بررسی با حرف تعریف در زبان‌هایی چون انگلیسی تفاوت‌هایی دارد. در این گویش دو حرف تعریف معرفه وجود دارد که می‌توانند با یکدیگر به کار روند. حروف تعریف معرفه در انتهای گروه تعریف می‌آیند و با صفات اشاره و سورها نیز در توزیع تکمیلی نیستند. حرف تعریف معرفه °e در فارسی محاوره نیز چنین ویژگی‌هایی دارد. بسیاری از زبان‌شناسانی که به بررسی ساختار گروه تعریف در زبان فارسی پرداخته‌اند، هسته گروه تعریف را جایگاه تولید مفهوم معرفگی در زبان فارسی می‌دانند (نظیر قمشی (۱۹۹۶) و معین‌زاده (۲۰۰۱)). نمودارهای درختی ارائه شده توسط این زبان‌شناسان تنها می‌توانند ساختار گروه تعریف فارسی معیار که در آن حرف تعریف معرفه نمود آشکار ندارد را نمایش دهند اما در مورد فارسی محاوره که در آن حرف تعریف معرفه نمود آوایی دارد و در انتهای گروه تعریف قرار می‌گیرد، این نمودارها قادر نیستند ترتیب خطی درست را نشان دهند. برای نمونه معین‌زاده (۲۰۰۱) نمودارهای زیر را برای اسم معرفه در فارسی معیار (۱۵-الف) و فارسی محاوره (۱۵-ب) ارائه می‌دهد.

الف (۱۵) -

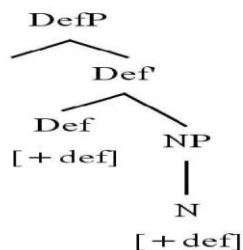


۱۵-ب- اسم معرفه در فارسی محاوره (معین‌زاده، ۲۰۰۱)

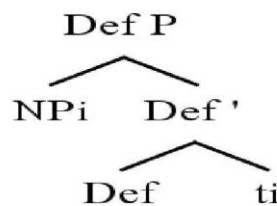
اما همان‌طور که عنوان شد وی اشاره‌ای به حضور صفت در این ساخت و انتقال حرف تعریف به بعد از آن نمی‌کند. به عبارت دیگر نمودار (۱۵-ب) نمی‌تواند ساختار عبارت "pesar bozorg-e" را نمایش دهد.

در بررسی جایگاه تولید حرف تعریف در گروه تعریف گویش اردکان فارس در این پژوهش فرافکن مجزایی (Def) برای معرفگی در نظر گرفته می‌شود که حرف تعریف معرفه اصلی (eku-) در هسته آن قرار می‌گیرد. این هسته دارای مشخصه [+def] می‌باشد که این مشخصه را روی اسم هسته که در حوزه سازه‌فرمانی آن است نیز ارزش‌گذاری می‌کند (۱۶-الف). گروه معرفه دارای مشخصه [EPP] است که حضور یک اسم یا گروه اسمی را در جایگاه شاخص آن اجباری می‌سازد. بنابراین گروه اسمی در طول اشتقاق برای بازبینی این مشخصه به شاخص گروه معرفه حرکت می‌کند (۱۶-ب).

الف - (۱۶)



ب -

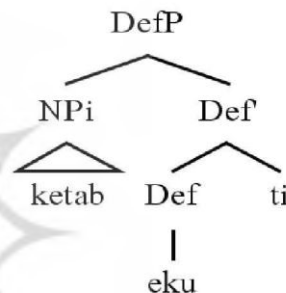


در مثال (۱۷) چگونگی اشتقاق اسم معرفه "کتاب" نشان داده شده است. چنان‌که مشاهده می‌شود، اسم "کتاب" در هسته گروه اسمی تولید می‌شود و پس از آن گروه اسمی برای بازبینی مشخصه [EPP] گروه معرفه به جایگاه شاخص آن حرکت می‌کند و ترتیب خطی مطلوب حاصل می‌شود.

الف - ketâb – eku (۱۷)

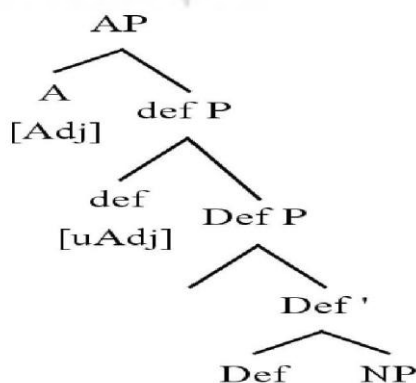
مع – کتاب
کتاب (معرفه)

ب -



حرف تعریف معرفه دوم -u در گروهی بر فراز Def P تولید می‌شود. این لایه را def P می‌نامیم که u در هسته آن قرار می‌گیرد. حرف تعریف u که تنها به همراه صفت می‌آید، دارای مشخصه تعبیرناپذیر [uAdj] است که در رابطه موضوعی هسته- هسته با هسته صفتی آن را بازبینی می‌کند.

(۱۸)



به پیروی از مطالعاتی چون معین‌زاده (۲۰۰۱) و کریمی‌دوستان و باقری (۱۳۹۰) که یک گروه اضافه با خاصیت تکرارپذیری را مسلط بر توصیف‌گرهای گروه اسمی در نظر می‌گیرند، ما نیز قائل به وجود یک گروه اضافه (EzP) می‌شویم که نشانه اضافه در هسته آن قرار می‌گیرد و دارای مشخصه تعبیرناپذیر [EPP] می‌باشد که یک فرافکن بیشینه شامل اسم و یک یا چند توصیف‌کننده را به جایگاه شاخص خود فرامی‌خواند. این گروه اضافه، خود تحت تسلط گروه تعریف می‌باشد. همان‌طور که در نمودار (۱۸) دیده می‌شود، گروه معرفه کوچک پایین‌تر از گروه صفتی قرار می‌گیرد. صفت نیز یکی از توصیف‌کننده‌های اسم هسته می‌باشد. همچنین در این تحلیل به پیروی از کهنمویی‌پور (۲۰۰۳) جایگاه تولید صفت‌ها را در یک فرافکن نقشی قبل از اسم در نظر می‌گیریم. ترتیب روساختی آن‌ها حاصل حرکت اسم به یک فرافکن نقشی قبل از صفت است. این فرافکن نقشی در تحلیل ما همان گروه اضافه است که گروه اسمی برای بازبینی مشخصه [EPP] به جایگاه شاخص آن حرکت می‌کند.

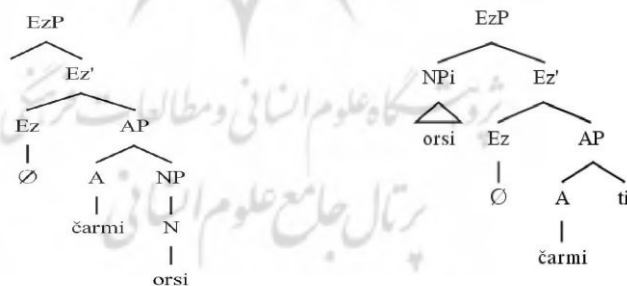
همان‌طور که در نمودار (۱۹-ب) مشاهده می‌شود، جایگاه تولید اسم و صفت به ترتیب در هسته‌های گروه‌های اسمی و صفتی است. پس از تولید، طبق نمودار (۱۹-ج) گروه اسمی برای بازبینی مشخصه [EPP] خود به جایگاه شاخص گروه اضافه حرکت می‌کند.

orsī armi - الف (۱۹)

چرمی کفش

ب -

ج -

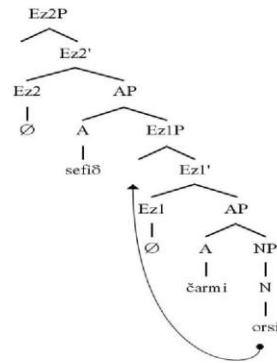


همان‌گونه که پیش‌تر عنوان شد، گروه اضافه خاصیت تکرارپذیری دارد و این خاصیت امکان افزودن صفت‌های بیشتری به گروه اسمی را فراهم می‌آورد. چنان‌که در نمودار درختی (۲۰-ب) دیده می‌شود، این عبارت از دو گروه اضافه تشکیل شده است. در گروه اضافه اول (Ez₁P)، اسم و صفت اول با هم ادغام می‌شوند و سپس صفت دوم با گروه اضافه‌ی اول ادغام می‌شود. در نهایت، همان‌طور که در شکل (۲۰-د) مشاهده می‌شود، گروه اضافه اول که شامل یک اسم و یک توصیف‌گر است برای بازبینی مشخصه [EPP] گروه اضافه دوم (Ez₂P) به شاخص آن حرکت می‌کند.

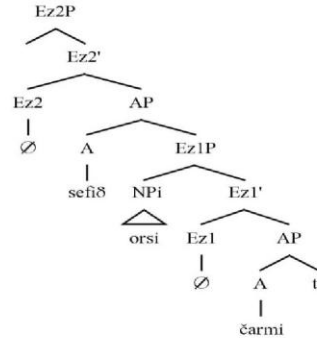
orsī armi sefiδ - الف (۲۰)

سفید چرمی کفش

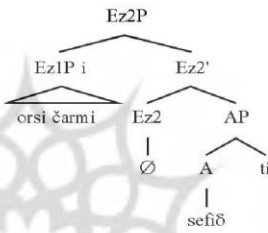
ب -



ج -



د -

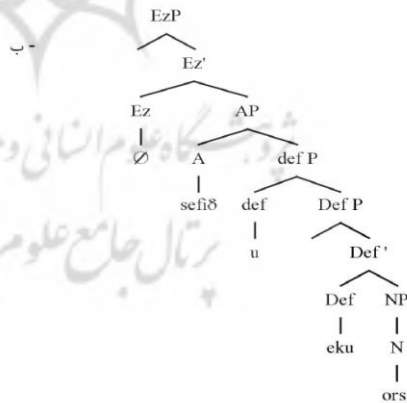


کاربرد هر دو حرف تعریف در کنار هم در مثال و نمودار زیر مشاهده می‌شود.

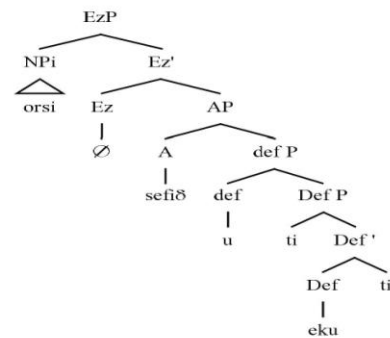
ب - □ orsi sefiδ-u-eku - الف (۲۱)

مع ۱ - مع ۲ - سفید کفش

کفش سفید (معرفه)



ج -



همان‌طور که در نمودارهای (۲۱-ب) و (۲۱-ج) مشاهده می‌شود، گروه اسمی ابتدا به جایگاه شاخص گروه تعریف و سپس به جایگاه شاخص گروه اضافه حرکت می‌کند تا مشخصه [EPP] هسته‌های این دو گروه را بازبینی کند. حرف تعریف u نیز مشخصه تعیین‌ناپذیر [uAdj] خود را با هسته گروه صفت بازبینی می‌کند.

۲-۲- حرف تعریف نکره

برای ساختن گروه اسمی نکره در گویش اردکانی در بیشتر موارد ye به قبل و i- به بعد از اسم اضافه می‌شود.

(۲۲) ye ketâb-i

نک- کتاب یک

در فارسی معیار هر یک از این دو نشانه به تنهایی در ساخت نکره به کار نمی‌روند. اردکانی این نشانه‌ها معمولاً به تنهایی در ساخت نکره به کار نمی‌روند.

در مورد i° نکره در فارسی تحلیل‌های متفاوتی وجود دارد. در این تحلیل قسمت دوم نشانه نکره در اردکانی یعنی i° را به دلیل شباهت‌هایی که با حرف تعریف معرفه اصلی از لحاظ جایگاه ظهور و منتقل شدن به بعد از صفت دارد و همچنین در توزیع تکمیلی بودن این دو عنصر، در هسته Def P قرار می‌دهیم. بنابراین هسته Def P دارای مشخصه [±Def] خواهد بود که این مشخصه را در رابطه موضعی با اسم هسته، روی آن ارزش‌گذاری می‌کند. قسمت اول حرف تعریف نکره ye را از آن‌جا که هیچ عنصر دیگری نمی‌تواند پیش از آن در گروه تعریف قرار گیرد، در هسته گروه تعریف قرار می‌دهیم.

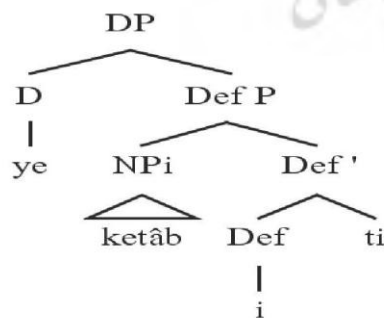
(۲۳) ye ketâb-i - الف

نک - کتاب یک

کتابی



ج -



در نمودار (۲۳-ب) ابتدا مشخصه [-def] هسته‌ی Def P روی اسم "کتاب" ارزش‌گذاری می‌شود، سپس چنان‌که در نمودار (۲۳-ج) دیده می‌شود، گروه اسمی برای بازبینی مشخصه [EPP] به جایگاه شاخص گروه معرفه حرکت می‌کند. در ادامه به بررسی هم‌آیی حروف تعریف با برخی دیگر از عناصر گروه تعریف می‌پردازیم.

۳- هم‌آیی حروف تعریف با سایر عناصر گروه تعریف

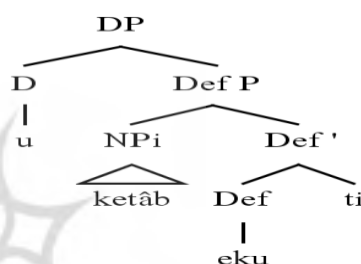
۳-۱- صفت اشاره

یکی دیگر از توصیف‌گرهای اسم صفت اشاره است. زبان‌شناسانی چون جکندوف (۱۹۷۷) و اجر (۲۰۰۳) برای صفت‌های اشاره و حروف تعریف جایگاه ساختاری واحدی در نظر گرفته‌اند زیرا این دو توصیف‌گر در برخی زبان‌ها چون انگلیسی در توزیع تکمیلی‌اند، اما این مطلب در مورد گویش اردکان فارس صادق نیست. در گویش اردکانی صفت‌های اشاره هیچ‌گاه بعد از اسم هسته قرار نمی‌گیرند. در واقع این صفت‌ها پیش از اسم و همه توصیف‌گرهای آن در گروه تعریف ظاهر می‌شوند. همچنین این صفت‌ها با حروف تعریف معرفه و سورها در توزیع تکمیلی نمی‌باشند. در این گویش برای اشاره به نزدیک از "i" و برای اشاره به دور از "u" استفاده می‌شود. ما در این مطالعه جایگاه صفت اشاره را هسته گروه تعریف (D) در نظر می‌گیریم.

(۲۴) الف - u ketâb-eku

ب -

مع- کتاب آن
آن کتاب (معرفه)



عنصر دیگری که پیش‌تر جایگاه آن را هسته گروه تعریف فرض نمودیم، قسمت اول حرف تعریف نکره ye بود که مانند صفت اشاره در ابتدای گروه تعریف قرار می‌گیرد و عنصر دیگری نمی‌تواند پیش از آن بیاید. علاوه بر این، این دو عنصر در گویش اردکانی هیچ‌گاه با هم به کار نمی‌روند.

(۲۵) *?u ye ketâb-i

نک- کتاب یک آن
آن کتابی*

۳-۲- نشانه جمع

نشانه جمع در گویش اردکانی al- می‌باشد. اگر اسم پایه به واکه ختم شود، از همخوان‌های میانجی "y" یا "g" پیش از نشانه جمع استفاده می‌شود.

(۲۶) ketâb ° al - الف

ب - ?orsi ° y ° al

جم- کتاب
کتاب‌ها

جم- هم- کفش
کفش‌ها

حرف تعریف معرفه e- در فارسی محاوره، تنها به اسم‌های مفرد متصل می‌شود و همراهی آن با اسم‌های جمع ترکیب بدساختی به دست می‌دهد. به عبارت دیگر در فارسی محاوره حرف تعریف معرفه با نشانه جمع در توزیع تکمیلی است.

(۲۷) ketâb-e - الف

*ketâb-a-e - ب

مع- کتاب
کتاب (معرفه)

مع-جم- کتاب
کتاب‌ها (معرفه)

برخلاف فارسی، در گویش اردکانی نشانه جمع با حرف تعریف معرفه و یا نکره در توزیع تکمیلی نیست.

(۲۸) ketâb-el-eku - الف

ye ketâb-el-i - ب

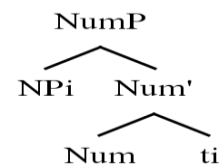
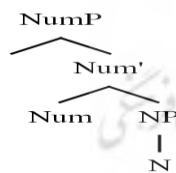
مع-جم- کتاب
کتاب‌ها (معرفه)

نک-جم- کتاب یک
کتاب‌هایی

بنابراین در این تحلیل گروه شمار (Num P) را در ساختار گروه تعریف بر فراز گروه اسمی در نظر می‌گیریم که نشانه جمع در هسته آن قرار می‌گیرد (۲۹- الف). مشخصه تعیین‌ناپذیر [EPP] هسته این گروه باعث حرکت گروه اسمی به جایگاه شاخص آن می‌شود (۲۹- ب). نشانه جمع که همیشه به یک اسم متصل می‌شود، دارای مشخصه [uN] می‌باشد که پس از حرکت گروه اسمی به شاخص گروه شمار، این مشخصه نیز در رابطه موضعی شاخص- هسته بازبینی می‌شود. پس از قرار گرفتن گروه اسمی در شاخص گروه شمار، وظیفه حرکت برای بازبینی سایر مشخصه‌ها به گروه شمار محول می‌شود. به عبارت دیگر به جای این که گروه اسمی حرکت کند و مشخصه [EPP] هسته گروه معرفه یا گروه اضافه را بازبینی کند، گروه شمار این کار را انجام می‌دهد.

(۲۹) الف -

ب -



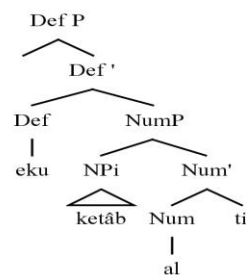
چنان‌که اشاره شد، نشانه جمع در گویش اردکانی می‌تواند با نشانه معرفه و نکره همراه شود (۳۰- الف). با توجه به نمودار (۳۰- ب)، گروه اسمی ابتدا برای بازبینی مشخصه [EPP] گروه شمار به شاخص این گروه حرکت می‌کند، سپس گروه شمار برای بازبینی مشخصه [EPP] گروه معرفه، حرکت کرده و به شاخص آن می‌رود.

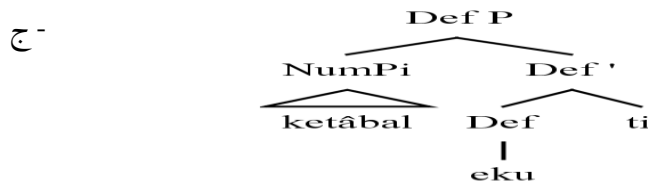
(۳۰) ketâb-al-eku - الف

ب -

مع-جم- کتاب

کتاب‌ها (معرفه)





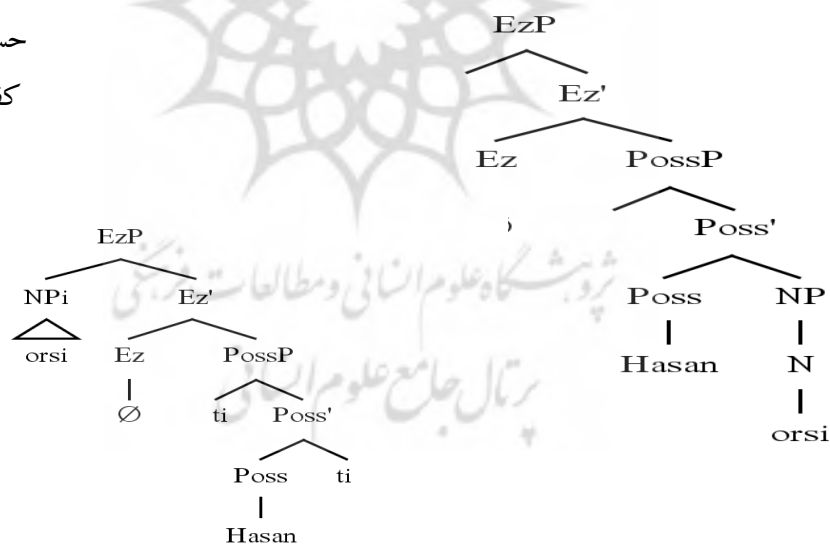
۳-۳- اسم ملکی

برخلاف صفت، اسم ملکی قابلیت تکرارپذیری ندارد و در عبارت‌های اسمی گویش اردکانی تنها یک اسم ملکی می‌تواند حضور داشته باشد که البته خود می‌تواند با توصیف‌گرهایی همراه شود. در این گویش، اسم ملکی با حرف تعریف معرفه و نکره در توزیع تکمیلی می‌باشد. به عبارت دیگر در حضور اسم ملکی، Def P تولید نمی‌شود اما چنان‌که پیش‌تر گفته شد حرف تعریف *u* که به صفت متصل می‌شود، به همراه اسم ملکی نیز به کار می‌رود و در واقع def P می‌تواند در حضور اسم ملکی نیز تولید شود. بنابراین گروه اسم ملکی (Poss P) درست در محل DefP تولید می‌شود و هسته آن دارای مشخصه‌های [+def] و [+poss] می‌باشد که آن‌ها را روی اسم هسته ارزش‌گذاری می‌کند. همچنین هسته گروه اسم ملکی همانند هسته گروه معرفه مشخصه تعبیرناپذیر [EPP] دارد که گروه اسمی برای بازبینی آن به جایگاه شاخص این گروه حرکت می‌کند.

ب - orsi Hasan - الف (۳۱)

حسن کفش
کفش حسن

- ب



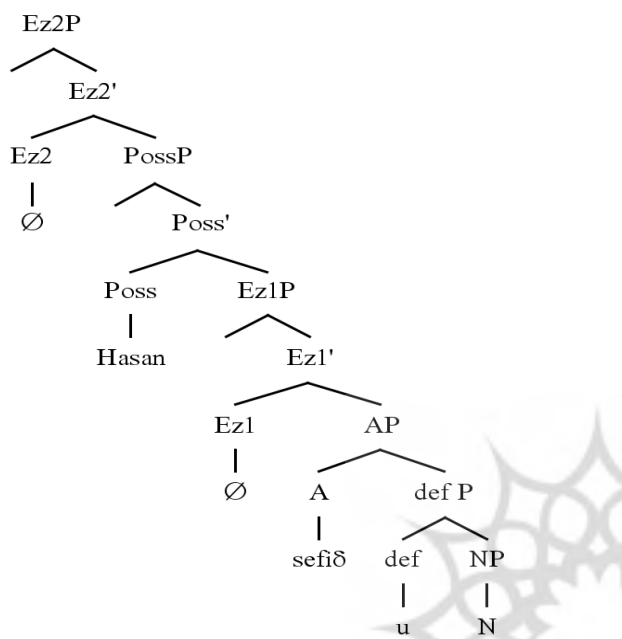
ج -

همان‌گونه که نمودار (ج-۳۱) نشان می‌دهد، گروه اسمی ابتدا برای بازبینی مشخصه [EPP] گروه اسم ملکی و بعد از آن برای بازبینی مشخصه [EPP] گروه اضافه، به جایگاه شاخص این گروه‌ها حرکت می‌کند. در عبارت (الف-۳۲)، اسم ملکی با صفت و حرف تعریف معرفه آن همراه شده است. با رسم نمودار درختی این عبارت به بررسی چگونگی ادغام آن می‌پردازیم.

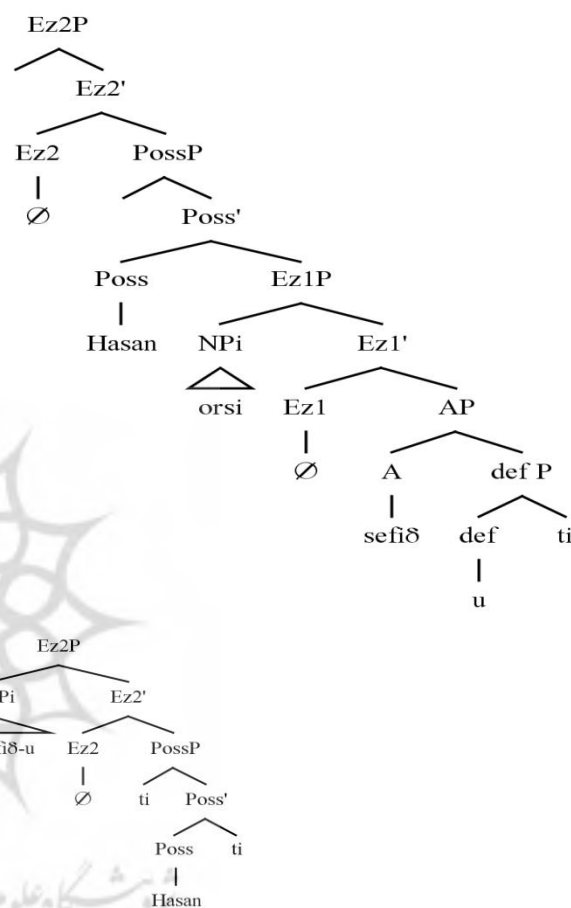
(۳۲) الف - orsi sefiδ-u Hasan

حسن مع-سفید کفش
کفش سفید (معرفه) حسن

ب -



ج -



مثال (۳۲) شامل دو گروه اضافه است که در گروه اضافه اول اسم و صفت به همراه حرف تعریف آن با هم ادغام می‌شوند. سپس اسم ملکی با گروه اضافه اول ادغام می‌شود، گروه اضافه اول ابتدا برای بازینی مشخصه‌های [+def] و [+poss] خود به شاخص گروه اسم ملکی و در نهایت برای بازینی مشخصه [EPP] گروه اضافه دوم به جایگاه شاخص آن حرکت می‌کند.

۴- نتیجه گیری

در مقاله حاضر ساختار توزیعی حرف تعریف در گویش اردکان فارس در چارچوب برنامه کمینه گرا مورد بررسی قرار گرفت و جایگاه تولید مناسب برای حروف تعریف، چگونگی هم‌آیی آن‌ها با دیگر عناصر گروه تعریف و نحوه رسیدن به ترتیب خطی مطلوب در این گویش نشان داده شد.

در ساختار گروه تعریف این گویش، دو حرف تعریف معرفه مشاهده می‌شود که یکی از آن‌ها به اسم و صفت و دیگری تنها به صفت متصل می‌شود. حرف تعریف معرفه اول *eku*- و همچنین قسمت دوم حرف تعریف نکره *i*- در هسته گروه معرفه بزرگ (Def P) تولید می‌شود و حرف تعریف معرفه دوم *u*- در هسته گروه معرفه کوچک (defP) قرار می‌گیرد که تنها در صورت حضور گروه صفت تولید می‌شود. اسم ملکی در هسته گروه اسم ملکی (PossP) تولید می‌شود که با Def P در توزیع تکمیلی می‌باشد. برای اضافه کردن بعضی از عناصر به یکدیگر در ساختار گروه تعریف از گروه اضافه (EZ P) با خاصیت تکرارپذیری استفاده شد. با وجود این که نشانه اضافه در گویش اردکانی در بیشتر موارد فاقد نمود آوایی آشکار می‌باشد، گروه اضافه در ساختار گروه تعریف این گویش تولید می‌شود و نشانه اضافه در هسته آن قرار می‌گیرد.

منابع

- طباطبایی، علاء الدین (۱۳۸۲). اسم و صفت مرکب در زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کریمی دوستان، غلامحسین و راضیه باقری (۱۳۹۰). ساخت اضافه در زبان‌های ایرانی. تهران: انتشارات سخن.
- Abney, S. (1987). "The English Noun Phrase in its Sentential Aspect". *Ph. D. Dissertation*. MIT press.
- Adger, D. (2003). *Core Syntax*. Oxford University Press.
- Chomsky, N. (1981). *Lectures on Government and Binding*. Dordrecht: Foris.
- Chomsky, N. (1986). *Barriers*. Cambridge. MIT press.
- Ghomeshi, J. (1996). *Projection and Inflection: A study of Persian Phrase Structure*. PhD. Dissertation. University of Toronto.
- Ghomeshi, J. (2003). "Plural Marking, Indefiniteness and the Noun Phrase". *Studia Linguistica* 57(2), 47, 74.
- Jackendoff, R. (1977). *X-bar Syntax: A Study of Phrase Structure*. MIT Press.
- Kahnemuyipour, A. (2003). "Persian Ezafe Construction Revisited: Evidence for Modifier phrase". *Proceeding of the annual conference of the canodoan Linguistics Association*. 17-185.
- Karimi, S. (1999). "Specificity Effect: Evidence from Persian". *Linguistic Review* 16. 125-141.
- Lyons, C. (1999). *Definiteness*. Cambridge University Press.
- Moinsadeh, A. (2001). *An Antisymmetric Minimalist Approach to Persian Phrase Structure*. Ph.D Dissertation. University of Ottawa.
- Samiian, V. (1983). "Origins of Phrasal Categories in Persian, an x-bar Analysis". PhD. Dissertation. UCLA.
- Stowell, T. A. (1989). "Subjects, specifiers and X-bar Theory". In R. Baltin & A. Kroch (eds.). 232-262. *Alternative Conceptions of Phrase Structure*.